

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)

عنوان مراسلات
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روزها
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ قرانك
(قیمت يك نسخه)

در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه هاهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

شبه ۲۶ جمادی الاخری ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۸ مرداد ماه جلالی ۱۳۲۹ و ۶ اوت ۱۹۰۷ میلادی

رفع اشتباه

دیروز در اول توپ ظهر وقتیکه هوا چون کوره
آهنگران تافته و بقول ابناء سابق مرغ هوا و ماهی دریا
کیاب میشد و راحتی درجه حرارت هوا فوق العاده و مجال
عبور و مرور برای کسی نبود و عرق متصل از بدن فرو
میریزخت — یکنفر دوستان صمیمی که بصفت حمیدیه
ملت پرستی و وطن خواهی و غیر تمندی متصف است با
نفس سوخته و حیات التهاب و اشتعال برافروخته و پیریشان
وارد اداره شد — ورود نا بهنگام آن صدیق و حالت
انقلاب و برآفتگی که از جبهه و چهره اش آشکار بود مرا
بحیرت انداخت ، لرزیدن بدنش سخت مرا در واهمه
افکند که خدایا مگر تازه چه حادثه واقع شده شاید خبر
ورود عساکر عثمانی را بحدود ارومیه شنیده و تسامح
وزیر داخله را در جواب (که بعد از معطلی زیاد بالاخره
تلگرافی جوابی اش آن بوده که بقنصل دول اطلاع بدهید
گویا دول مجاوره کاری جرح و تعدی بماندارند و دستگیر
هستند بمحض اخبار کرورها قشون برای خاطر مسا
بشمانیه وارد کنند) استماع نموده و غیرت وطنی از
حالت طبیعتش بدر برده ولی اختیار بر خواسته با اداره
ما آمده و تصور نموده کسی از ما حرفی گوش میکند و
بسختان ماوقمی مینهند غفل از آنکه در عرض پذیرفتن
شیر شده در صدد انتقام برمیایند و عموم جرائد را برای
خاطر کلمات ما جلو گیری قانونی میکنند —

خلاصه باستقبالش تاختم و علت انحال را جواب دادم لایحه
چایی دستم داد و گفت بنکر چه نوشته و چمان میخواهند
باطل را باس حق پوشانیده در انتظار جلوه صحت دهند

و دو باره این ملت خونین دل سوخته جگر را زیر
قوه قاهره استبداد بیاندازند — اینک برای رضای خدا
جوابی شافی که عتلاء بیستند و دانا یان خورده نکیران
در طی عبارات ساده بدون استعمال الفاظ رکیک و دشنام
که دلیل عجز و ضعف و برهان صحت قول مدعی است
بنویسید تا عوام بیچاره از اشتباه بیرون آیند و دو
باره گرفتار نشوند — راستی هتای و فحاشی بعضی
از شماها حرف حسابی را پایمال کرد و اذهان را بطرف
مدعی متوجه ساخت چرا باید تا سخن صحیح پیدا
میشود الفاظ نا پسند نوشت که قلوب را منزجر و متنفر
کند و حرف حق را از میان ببرد ؟

گفتم آنچه فرمودی صحیح است لکن بسا شود که سوزش
دل عنان خامه را از کف بدر میبرد و باعث اسائه ادب
میشود چنانکه در نمره ۷۳ آنچه را مانوشتم نه غرض
توهین قوی نظامی روس با کسر شئون یکدولت همسایه
و سفیر اندولت بود بلکه خطائی بود از قلم صادر شد
و خودم نیز قبول دارم که بر خلاف ادب بوده و معذرت
از این اسائه ادب میخواهم اکنون بفرمائید مضمون وره
چیست ؟ گفت بگیر و مطالعه کن وره را گرفته
کنشودم و خواندم معلوم شد جناب حاج شیخ
فضل الله این لایحه را برای مشوب کردن اذهان طبع
و نشر فرموده و واقی تادرجه زرتکی اکار برده و مربوط
نوشته و برخلاف سخنان سابقه اش این مقاله را بقسمی
ساخته و پرداخته که بسیار برا گول میزند و تصور صحت
در مضامین آن میکنند اگر جوابی نوشته نشود خاطرها
مشوب میگردد — پس بانکه کارهای لازم فوری زیاد
داشتم مخصوص مضار قوانین انطباعات را مصمم نوشتم

بودم کنار نهاده بجواب لایحه مزبوره پرداختم — ولی از جناب شیخ مستدعی هستم جوایب اگر دارند بادلیل و برهان مرقوم بفرمایند و تنها چماق تکفیر را در دست نگیرند — مشار الیه در اول لایحه چنین مینویسد « سال گذشته از سمت فرنگستان سخنی بمملکت ما سرایت کرد و آن سخن این بود که هر دولتی که پادشاه و وزیران و حکامش بدلخواه خود با رعیت رفتار میکنند آن دولت سرچشمه ظلم و تعدی و تجاوز است و مملکتی که ابواب ظلم و تعدی و تجاوز در آن مفتوح باشد آبادانی بر نمیدارد و لایزال بر پریشانی رعیت و بی سامانی اهالی میافزاید تا آنجا که بالمره آن مملکت از استقلال می افتد و در هائمه جانورهای جهان خور بتخلیل میرود و گفتند معالجه این مرض مهلك معنی آن است که مردم جمع بشوند و از پادشاه بدخواهند که سلطنت دلخواهانه را تغییر بدهد و در تکالیف دولتی و خدمات دیوانی و وظائف درباری قرار بگذارند که من بعد رفتار و کردار پادشاه و طبقات خدم و حشم او هیچ وقت از آن قرار تخطی نکند و این قرار دادم مردمان عاقل و امین و صحیح از خود رعایا بتصویب یکدیگر بنویسند و بصرحه پادشاه رسانیده در مملکت منتشر نمایند و گفتند نام آن حکمرانی بدلخواه بزبان این زمان سلطنت استبدادیه است و نام این حکمرانی قرار دادی سلطنت مشروطه است و نام قرار داد دهندگان و کلاء و یا بموثین است و نام مرکز مذاکرات آنها مجلس شورای ملی است و نام قرار دادهای آنها قانون است و نام کتابچه که آن قرار دادهارا در آن مینویسند لفظنامه است »

جواب مطالب ایشان اینست: —

اولا باید بدانند که از ممالک فرنگستان سال گذشته قاصدی نیامد و خبر تازه نیآورد و از فرنگ سرایتی تازه بخواه و وطن مانده — بلکه در هزار و سیصد سال قبل شخص بزرگوارى که اسم مبارکش محمد صلی الله علیه و آله و پدرش عبد الله و از اهل مکه معظمه بود از جانب خدا آمده و این خبر را آورده و فرمود هیچکس نمیتواند بدلخواه خود کیف مایشاء باخلاق سلوک کند بلکه باید تمام حرکات از روی بکفانونی که از طرف خدا نازل شده بوده باشد اسم این قانون مقدس شریعت اسلام و آن کتاب قانون قرآن است — آن حضرت فرمود يك پادشاه يك وزير يك امير يك تاجر يك رعيت حق ندارد مال مردم را بچاپد هر کس بر مال خود اختیار نامه دارد (الناس مساطون على اموالهم)

فرمود کسی نباید در حق دیگری ظلم و ستم نماید (ومن يظلم منكم نذقه عذابا كبيرا)

فرمود کسی نمیتواند مرتکب قتل نفس بشود (ما كان

لنؤمن ان يقتل مؤمنا الا خطاء)

فرمود هر کس دیگری را بکشد و رتبه دم برفاقت سلطنت (و من قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا فرمود قاتل را باید قصاص کرد (ولکم فی القصاص حیوة یا اولی الباب)

فرمود کسی حق ندارد بدون اذن وارد خانه دیگری بشود (لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم الخ)

فرمود ظلم را احدی حق حمایت و توسط ندارد (ما للظالمین من حمیم و لا شفیع یطاع)

فرمود تمام آئیندگان خدا مساویند و ترجیحی ندارند مگر از دو جهت یکی علم (برفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات) دیگری خدمت (فضل الله المجاهدین علی القاعدین)

فرمود تمام امور از مجری عدل باید جاری شود (ان الله یامر بالعدل) (لیقوموا الناس بالقسط)

فرمود احدی حق تخلف از قوانین و حدود مقرر ندارد (و من یتعد حدود الله فاولئک هم المادون)

فرمود امور از روی مشاوره و مصلحت باید نه بخورد رای و بو الهوسی (وامر هم شوری بینهم)

فرمود قدرت در ید تمام افراد ملت منبسط است و نباید در یکجا جمع شود مگر با اختیار افراد (کنتم خیر امة اخرجت للناس تمارون بالمرور و تنهون عن المنکر)

فرمود افتاء حدود واجب و مسامحه در آن حرام است (واقیموا حدود الله)

فرمود تمام ناس در پیشگاه قانون یکسانند (ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت)

فرمود تمام اجباری و اجابت و بر تمام افراد لازم است (طلب العلم فریضة علی کل مؤمن و مؤمنة)

فرمود خاق نباید مطلق العنان و خود سر باشند (ایحسب الانسان ان یترک سدی)

خلاصه هیچ چیزی برای ما باقی نمگذارد و تمام احکام را بیان فرمود و کلیات مسائل را دست داد که تمام احتیاجات بشر تا روز قیام کامل است، قرآن هیچ پادشاه و وزیری آزادی نامه نداده که در یک مملکت برای و کیف خود رفتار نمایند در بعضی دول ملک شخص سلطان از بسیاری حدود معاف و مستثنی است لکن اسلام بما چنین اجازه نداده و در قانون شریعت بین افراد فرق ننماده و بحقیقت مبنی شریعت اسلام گردید و برانی صراحت هیچ مسلمانی بلکه کسیکه مدتی اندک با مسلمانان معاشرت داشته نمیتواند باین اول تفرقه کند شریعت اسلام اختیار بملوک و وزراء داده بمل خود با ملت رفتار نمایند و از قوانین

و حدود مقررہ الہیہ تخلف کنند مساوات حقیقی کہ تاکنون در هیچیک از ممالک خارجہ نیست اسلام برای ما برقرار نموده — بالا تر عرض کنم خود صاحب شریعت بصریح فرمان در نزد قانون با سایرین مساوی است (ما انالنا بشر مثکم) مگر در خصائص —

کدام ظلم بی الصافی است کہ با اسلام نسبت عدم مساوات بدهد و سلطنت مستبدہ و حکومت بمیل نفس را منسوب با اسلام نماید و حکومت مشروطہ و قانونی را از خصائص فرنگیان بشمارد و تصور کند کہ سال گذشتہ با فاصد وارد ایران شد ؟

تعجب است کسیکہ تا این درجہ از بدبہای و ضروریات دین اسلام بی اطلاع است کہ گوئی تمام عمر را در میان سایر ملل گذرانیدہ چگونه خود را عالم و متبحر بنسبہ افضل و اعلم میشمارد و ہمہ مسلمانان را محکوم خود میخواند ہمہ عقلاء عالم بیانک بلند میکنند اروپائیان این ترتیبان را از شریعت اسلام گرفته اند لکن جناب شیخ نبی نام بیچہ ملاحظہ این فضیلت را دین حنیف سلب کردہ و برنگیان نسبت داده است منشی رور نامہ (الہلال) مصری کہ خودش مسیحی است در ۵ سال قبل عنوان کردہ بود کہ ہر گاہ اسلام وجود نمیداشت و بیقیمبر عرب ظہور نکرده بود حالت عالم امروز بیچہ نحو میبود یعنی اگر اسلام ظاہر نگردیدہ بود آیا این تمدنات ہر صہ بروز و ظہور میامد یاخیر ؟ و بعد از شش ماہ مباحثہ ثابت نمود کہ ہمہ این ترفیقات کہ در دنیا پیدا شدہ از برکت دین مقدس اسلام است اسلام مبنی بر عدالت صرف و مساوات کلی است اسلام مبنی بر تہذیب اخلاق و تکمیل نفس و احسان و نوع پرستی است اسلام مبنی بر مشورت و مصلحت بینی است اسلام مصلح عادات ذمیمہ است اسلام برای اصلاح معاد و معاش است — خوب است جناب شیخ از این نسبت توبہ کند و بعدہا چنین سخنان کہ علانیہ بر ضد قوانین اساسی اسلام است بر زبان براند و بر خطای خود کہ نزدیک است آسمانہا و زمینہا از ان بیاضد اعتراف و استغفار کند ! ! !

بلی چیزیکہ بود مردم مخصوص ارباب استیلاء بقوانین اسلام رفتار نمیکردند احکام الہی در عہدہ تعطیل ظلم و جور عالم را فرو گرفته و قوانین اسلام در موقع اجراء گذارده نمیشد و بر خلاف قواعد شریعت ہر نوع ظلم و جور و فحشاء و مکر رواج گرفتہ و بدین سبب خرابی باحوال مملکت راہ یافتہ و امور قرین اختلال گردیدہ بود و ملت نیز بدین واسطہ مکدر و ملول بود و اظہار عجز و لاپہ میکردند این امر نیز تازہ واقع نشدہ از قدیم یعنی بعد از خلافت امیر المؤمنین علیہ السلام

خلعہا امویہ شریعت را در واقع عطلت لہا ندند بحدیکہ بر خلاف شرع خدا ہرچہ خواستند میکردند عبدالملک مروان در عرشہ منبر کہ محل اجراء احکام خدا است امت (من قالی اتق اللہ اضرب عنقہ) ہر کس بمن بگوید از خدا بترس و از شریعت تخلف نکن گردن او را میزنم فاشا فاش بر خلاف دین عمل کردہ کسی نیز قدرت چون و چرا کفایت نداشت — بسیاری از و ہوع این امور مکدر و ملول کشتہ و بر انها خروج نمودہ چنانکہ در کتب تواریخ دیدہ و خوانندہ اید و احتیاج بشرح و بسط ندارد — (بقیہ دارد)

خلاصہ مذاکرات مجلس دار الشوری

(یکشنبہ ۲۴ شہر جمادی الثانیہ)

امروز وزارت عدلیہ بر حسب مذاکرات روز قبل در باب رسیدگی و تحقیقات امر سالار مہمخ با اجزاء عدلیہ حاضر شدہ بودند ولی از بسابت امر سرحدی ارومیہ و تلکرافی مؤکدہ و مکررہ در این باب شروع بہ مذاکرات شد و اہمیت این مسئلہ باعث تاخیر و تویق آن مطالب شد تکررات زیاد از انجمن ملی ارومیہ و انجمن ایالتی آذربایجان بمجلس مقدس و بوکلای آذربایجان رسیدہ کہ ہر یک از آنها مبنی بر مطالب رفتہ انکییز و مہج عرق اسلامیت و ملیت و مشعر بر تمدنیات عا کر عثمانی و قتل و غارت در سرحد ارومیہ و اسیر نمودن زنان و کشتن اطفال و احاطہ کردن اطراف ارومیہ و سایر نقاط سرحدی بود قرائت شد ہر یک از وکلای بیاناتی مفصل در تہیج و تحریک ملت بحفظ حدود و ثغور و صیانت خاک و طن و ایثار مال و جان در راہ وطن عزیز و اقدامات غیورانہ و مجدانہ در رفع و دفع اعادی خارجہ و قطع ایادی متمددیہ نمودند بطوریکہ تمام اہل مجلس و نظار ہمہ بفریاد و صدای تاجان حاضریم و از کشتن و کشتہ شدن باک نداریم بکران و متحد کویا بودند در ضمن از شرح تمدنیات عثمانی در این مدت دو سال بخاک ایران و اقدامات جابرانہ او و ملاحظیات و مسالمت دولت علیہ ایران در این باب مذاکرات بمیان آمد در این بین دستخطی از سلطنت آباد بحضرت اشرفی والا فرمانفرما شدہ کہ فرمانفرمائی ایالت جلیلہ آذربایجان و سرکردگی ظامی انجا نامور و تا دو روز دیگر حرکت نماید شاہزادہ معظم نطقی رفتہ انکییز با حاحات اندوہ و حزن نمودند کہ ای ملت ایران باید شما امروزہ بطوری خود را حاضر و آمادہ نمایند و این معنی را بدانید کہ ہر دولتی بخواہدیک وجب از خاک شما را طمع کند چنان ثبات قدم خود را

ارائه دهید و بپیمایید که تا یک نفر از ما اهل ایران زنده نماند نخواهیم گذاشت کسی این طمع را بنماید مگر امروز یک خدا نخواسته یاس از مقاومت به بینیم بدست خود زنان و اطفال خود را هدی گلوله کرده و کشته این خاک را بکلی از دیروچ خالی کرده آنوقت هر حیوانی بخواند در او زندگی نماید والا تا ملت ایران جان دارد در حفظ استقلال خود با تمام قوی با هر عدوی میکوشد بعد از مذاکرات زیاد قرار بر این شد که از طرف مجلس مقدس تلگرافی بانجمن آذر بایجان و ارومیه شود که اقدامات لازمه بعمل آمده ملت در حفظ استقلال خود حاضر باشند از طرف دولت اقدام شده دستور میرسد و بسایر نقاط سرحد هم تلگرافی شود که مهیا و آماده باشند از برای امتثال اه همیونی

بعد از آن بارعام داده شد و تمام مردم در محضر و کلاء حاضر شدند یک نفر از و کلاء عظام خطاب به ملت کرده که امروز همسایه ما از حدود خود تخطی کرده و جمعی از برادران و خواهران ما را کشته و اموالشان را غارت کرده اند اینک تکلیف عموم ملت اینست که در مقام سرکوبی طرفی چندی خود داری کرده بخاک عثمانی و عربستان آمده و شد نکرده حال که آنها ملاحظه دوستی ما را نکرده اند مانیز منافع خود را بدانها نرسانیم واضح است که آبادی عربستان بواسطه آمد و رفت ایرانیان است خوب است چندی موقتا ترک مسافرت کنند و راضی نشوند بول خود را بدشمن خود داده برخودشان مسلط کنند —

در زمان سلاطین صفویه نیز هر وقت کدورتی فیما بین واقع میشد دولت قدغن میکرد کسی بخاک عثمانی نرود و سهمین سبب آنها مجبور میشدند در تحصیل ترضیه خاطر ما برآمده نزاع را بمیدل بصلح کنند — ملت یک زبان و یکدل گفتند همه حاضریم و در راه وطن از جان و مال مضایقه نمیکنیم —

بعد از آن شاهزاده سلیمان میرزا برخواست و تمام این انقلابات را بوزیر داخله نسبت داده یکن از و کلاء خواست او را خاموش کند لکن ملت چون خیلی متعبر بودند گوش نداده بلکه بشدت بر او تاختند بحیثی که مجبور بسکوت گردید سپس شاهزاده یحیی میرزا بر خواسته و نطقی مفصل نمود مبتنی بر آنکه اختلال کلی به احوال مملکت راه یافته فساد اخلاق زیاد شده ارباب حل و عقد فریفته بول شده و در انجمنها نیز دست فتنه رخنه کرده و بلاد هم قرین آشوب است دشمنان داخلی و خارجی متصل درین اختلال انظام و بر بادی مملکت و وطن عزیز ماسمی و جهم میکنند امروز که ملت مستقیم شده ایم نه مجلس صحیح داریم نه و کلاء امین کافی نه

تلگرافات خارجه

از لندن هیئت نمایندگان ملت کوره از انگلستان بعزم امریکا بکشتی نشسته و حرکت نموده اند یکی از شاهزادگان که جزو انجمن در جواب استفسارات و قایع نکار روتر چنین اظهار داشته است که قصد ما فعلا بر آنست که بممالک امریکا مسافرت نموده پس از تشریف بحضور و سوات رئیس جمهوری اتانونی بسایر بلاد معظمه امریکا رفته و بعد بانگلستان عودت نمائیم این ماموریت ما ارطری امپراطور کوره معین کرد یده چه آن اعیان حضرت بخوبی عالم باین مسئله بود که جبراً و قهراً از تخت سلطنت استعفا خواهند داد و ما مخصوصاً تا کید فرموده اند که پس از عزل و استعفا او ویا پس از مقتول شدن ایشان این ماموریت و مسافرت را مداومت نموده و اصرار در اعاده آزادی و حریت ملت کوره از بانصد سال قبل وجود داشته بنمائید دیگر بنابر اظهار شاهزاده مشار الیه سبب استعفا امپراطوری رشوه پولی بود که از ژاپونیان بخائنین اهل کوره داده شد از لندن بنا بر تلگرافی واصله از برلین اعلان نیمرسمی بطبع رسیده که بین اعلحضرت امپراطور انکیس و امپراطور آلمان در چهاردهم ماه آتیه در محل موسوم بویل هلمس هو ملاقات خواهد شد

دو فرزند از چهارزات ژاپون وارد بندر پست که از بندر فرانسه است شده صاحب منصبان سفاین مزبور در خدمت رئیس جمهوری فرانسه با حضور سفیر کبیر ژاپون صرف نهار نمودند در همین موقع دو فرزند از چهارزات امریکا نیز در بندر مزبور اقامت دارند امیرال امریکائی هم مهمانی با نذخار صاحب منصبان ژاپونی تدارک کرد

حسن الحسینی الکاشانی